

آزادسازی تجاری و نابرابری دستمزد بین نیروی کار شهری و روستایی

علی فلاحتی^۱

دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه رازی

یونس گلی^۲

دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه رازی

کرمانشاه

حسین گلی

کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه رازی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۲۹

چکیده

پژوهش حاضر، با به کار بردن داده‌های در سطح خرد بودجه خانوار و داده‌های تجارت در بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ و روش اقتصادسنجی رگرسیون چندگانه و حداقل مربعات معمولی و مبنای قرار دادن تئوری هکشر- اوهلین و تئوری تبعیض سلیقه‌ای بیکر به بررسی اثر آزادسازی تجاری بر روی نابرابری دستمزد بین نیروی کار شهری و روستایی در بخش‌های قابل تجارت می‌پردازد. مدل تجزیه اکساکا و بلیندر (نابرابری در میانگین دستمزد) نشان می‌دهد، در بازه زمانی موردنظر شکاف دستمزد و قسمت غیرقابل توضیحی شکاف دستمزد کاهش پیدا کرده است. سهم قسمت غیرقابل توضیحی شکاف دستمزد (تبعیض دستمزد) نسبت به بخش قابل توضیحی کم است و این، بر کارا بودن شکاف دستمزدها دلالت دارد؛ اما برآوردها نشان می‌دهد چون سهم کالاهای مصرفی نهایی در واردات بخش روستایی نسبتاً بالا و سهم واردات کالاهای سرمایه‌ای در بخش شهری نسبتاً بالا است، آزادسازی تجاری باعث افزایش شکاف دستمزد بین نیروی کار شهری و روستایی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: نابرابری دستمزد، آزادسازی تجاری، تجزیه دستمزد اکساکا بلیندر، تئوری تبعیض سلیقه‌ای

۱- Alifalahatii @ mco.yahoo

۲- نویسنده مسئول: Younes.goli67@gmail.com

بیکر.

طبقه‌بندی JEL: O18, O53, C15

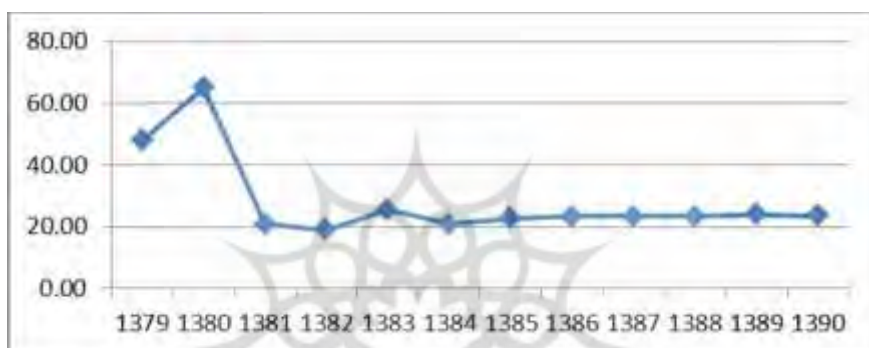
مقدمه

در طول دهه‌های اخیر کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه سیاست‌های مختلفی در جهت باز کردن اقتصاد به روی بازارهای جهانی اجرا کرده‌اند. از جمله این سیاست‌ها، کاهش عوارض گمرکی بر روی کالاهای وارداتی و حذف موانع غیر تعرفه‌ای بوده است. همان‌طور که نمودار (۱) نشان می‌دهد، کشور ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. ایران در طول سال‌های اخیر به خصوص سال ۱۳۸۱ سیاست آزادسازی تجاری را دنبال کرده است، در سال ۱۳۸۰، عوارض گمرکی به مقدار ماکزیمم ۶۴٫۹۸ و در سال ۱۳۸۱ نرخ عوارض گمرکی به ۲۰٫۸۶ رسیده است. سیاست آزادسازی تجاری، اقتصاد را به شکل‌های مختلف تحت تأثیر قرار می‌دهد. از مؤلفه‌هایی که تحت تأثیر سیاست آزادسازی تجاری قرار می‌گیرد، نحوه توزیع دستمزد بین افراد در نواحی مختلف است. اگرچه توزیع دستمزد تحت تأثیر ویژگی‌های افراد نظیر سطح سواد و تجربه است، ولی مقداری از توزیع دستمزد به وسیله عواملی غیر از سرمایه انسانی^۱ توضیح داده می‌شود که تحت عنوان تبعیض دستمزد مطرح می‌شود. آزادسازی تجاری می‌تواند، مؤلفه بازدهی برای سرمایه انسانی و همچنین مؤلفه تبعیض دستمزد را تحت تأثیر قرار دهد.

اندازه و تغییر در شکاف دستمزد تحت تأثیر تفاوت در مشخصات نیروی کار (تحصیلات و تجربه) و بازدهی متفاوت برای مشخصات معین است. اگر تفاوت در دستمزد ناشی از عوامل سرمایه انسانی مانند تجربه و تحصیلات باشد، به دلیل اینکه هر یک از عوامل تولید بر اساس مقدار ارزش تولید نهایی خود دستمزد دریافت می‌کنند. چنین شکاف دستمزدی کارا و بر تخصیص بهینه منابع دلالت دارد. ولی در صورتی که شکاف دستمزد ناشی از تفاوت بازدهی برای مشخصات معین نیروی کار (تبعیض دستمزد) باشد، چون بعضی از عوامل تولید بیش از ارزش تولید نهایی خود و بعضی دیگر از عوامل تولید کمتر از ارزش تولید نهایی خود پاداش می‌گیرند، منجر به ناکارایی و

۱- human capital

هدر رفتن نیروی انسانی در اقتصاد می‌شود. تبعیض دستمزد علیه گروه خاصی از افراد مانند روستاییان، در بازار نیروی کار از یک طرف بر روی روحیه و انگیزه عوامل تولید تأثیرگذار است، طوری که ممکن است، افرادی که سطح بهره‌وری بالایی در اقتصاد دارند، ولی چون به اندازه ارزش تولید نهایی خود دستمزد نمی‌گیرند از بازار کار خارج و یا حداکثر تلاش خود را به کار نگیرند. از طرف دیگر تبعیض علیه افراد روستائین باعث افزایش مهاجرت روستاییان و متروکه شدن روستاها می‌شود که این منجر کاهش تولید در بخش کشاورزی و دامداری می‌شود. مازاد عرضه نیروی کار در شهرها و عدم توان صنعت در جذب نیروی کار مهاجرت کرده از روستا به شهر منجر به افزایش فقر و فساد در جامعه می‌شود. لذا شناخت عوامل مؤثر بر شکاف دستمزد مهم و دارای ارزش است.



نمودار ۱- نرخ تعرفه در بازه زمانی ۱۳۷۹-۱۳۹۰

منبع: اداره گمرک جمهوری اسلامی ایران

نرخ تعرفه ساده محاسبه شده است.

با توجه به سیاست آزادسازی تجاری در سال‌های اخیر و وجود شکاف دستمزد ناشی از منطقه، جدول (۱) سهم تجارت، رابطه بین متغیرهای آزادسازی تجاری و نسبت درآمدهای ماهیانه را نشان می‌دهد. جدول (۱) نشان می‌دهد که در بخش کشاورزی از یک طرف با کاهش تقریباً ۲۳ درصدی تعرفه و از طرف دیگر کاهش ۲ درصدی سهم تجارت، نسبت درآمد ماهیانه نیروی کار شهری به روستایی کاهش یافته است؛ اما در بخش صنعت که حجم وسیعی از تجارت را به خود اختصاص داده است، صادرات از ۱۸ درصد در سال ۱۳۸۰ به ۳۴ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است

که نشانگر افزایش سطح رقابت پذیری صنعت است. با وجود افزایش صادرات در بخش صنعت و همچنین کاهش ۴۴ درصدی نرخ تعرفه، نسبت درآمد ماهیانه نیروی کار شهری به روستایی ثابت مانده است؛ اما در بخش معدن با کاهش تعرفه و افزایش صادرات، نسبت درآمد ماهیانه نیروی کار شهری به روستایی کاهش پیدا کرده است. شواهد داده‌های خام تا حدی نظریه بیکر را تأیید می‌کند؛ اما در بخش خدمات که سهم ناچیزی از تجارت را دارد، نسبت درآمد تغییری نداشته است.

جدول ۱- دستمزد نسبی و تجارت

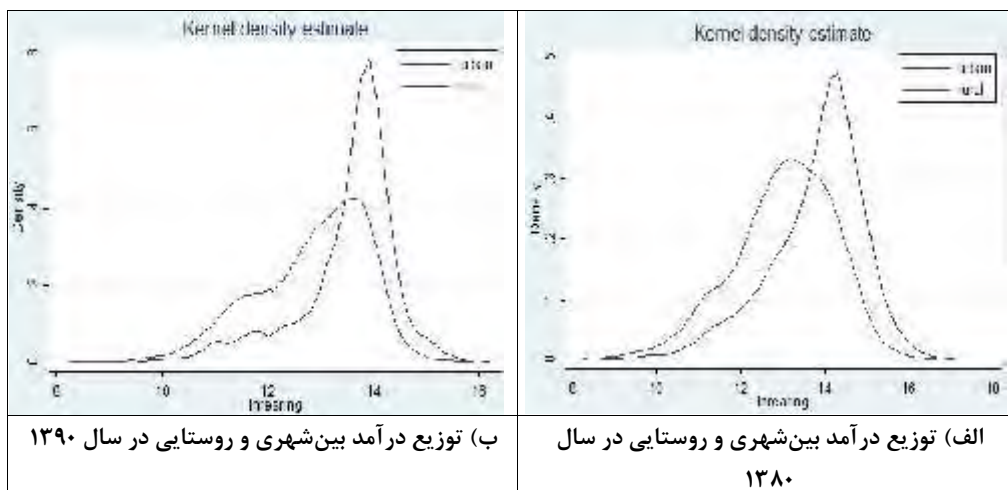
۱۳۹۰					۱۳۸۰					بخش اقتصادی
درآمد نسبی	واردات	صادرات	تعرفه	تجارت	درآمد نسبی	واردات	صادرات	تعرفه	تجارت	
۱,۰۱	۵۲	۴۸	۱۰,۵	۹	۱,۰۲	۶۷	۳۳	۳۳,۷	۱۱	کشاورزی
۱,۰۳	۶۶	۳۴	۲۶,۲	۸۹	۱,۰۳	۸۲	۱۸	۷۰	۸۷	صنعت
۱,۰۲	۱۲	۸۸	۵,۴۴	۲	۱,۰۵	۵۲	۴۸	۲۳,۳	۱	معدن
۱,۰۴	-	-	-	-	۱,۰۴	-	-	-	-	خدمات

منبع: محاسبات محقق

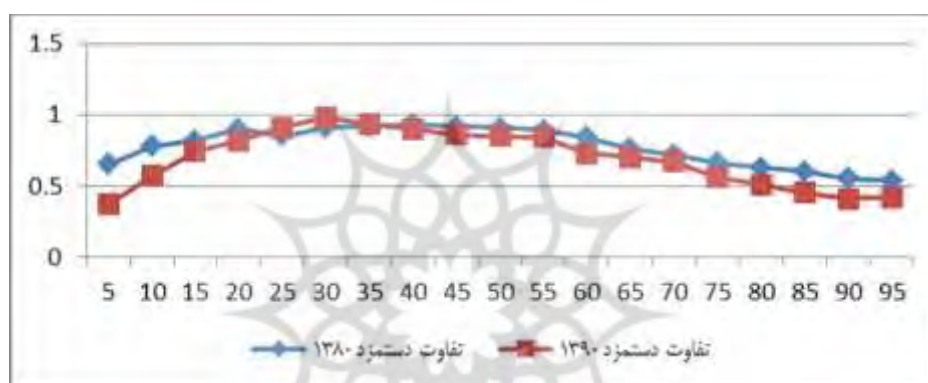
تمام اعداد مذکور بر حسب درصد می‌باشند، در ضمن این محاسبات تنها برای بخش قابل تجارت ایران یعنی بخش‌هایی که صادرات، واردات و تعرفه مثبت دارند، محاسبه شده است. درآمد نسبی برابر درآمد ماهیانه شهری به روستایی است.

نمودار (۲) توزیع درآمد بین نیروی کار شهری و روستایی در بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ را نشان می‌دهد. نمودار (۲) نشان می‌دهد که نابرابری درآمد در سال ۱۳۹۰ (قسمت ب) نسبت به سال ۱۳۸۰ (قسمت الف) کاهش پیدا کرده است. در واقع نمودار نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۰ توزیع درآمد روستایی به سمت توزیع درآمد شهری گرایش دارد و نابرابری کاهش پیدا کرده است.

توزیع درآمد ماهیانه در چندک‌های مختلف اطلاعات مفیدتری را نسبت به توزیع میانگین درآمد ارائه می‌دهد. نمودار (۳) نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۰ نابرابری درآمد در چندک‌های بالای درآمدی و پایین درآمدی کاهش یافته است. ولی در چندک‌های متوسط درآمدی تقریباً بدون تغییر مانده است.



نمودار ۲- توزیع درآمد بین شهری و روستایی



نمودار ۳- نابرابری درآمد ماهیانه (دستمزد) در چندک‌های مختلف درآمدی

منبع: محاسبات محقق

تفاوت دستمزد در سال ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ به صورت تفاوت لگاریتم درآمد ماهیانه واقعی شهری و روستایی محاسبه شده است.

با توجه به شواهد موجود در بازار کار ایران و سیاست آزادسازی تجاری در دوره ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۱ و همچنین اثرات دیرپای آزادسازی تجاری، این مقاله به بررسی اثر آزادسازی تجاری بر نابرابری درآمد ماهیانه بین شهر و روستا می‌پردازد. در پاره‌ای از بخش‌های اقتصادی ایران نرخ تعرفه ساده قبل از آزادسازی تجاری برابر با ۷۰٫۰۸ درصد بوده و نرخ تعرفه برخی از بخش‌های دیگر اقتصادی صفر یا ناچیز بوده است، در این میان بخش‌های خدمات مالی (بانک‌ها و بیمه) به

دلیل منع قانونی فعالیت شرکت‌ها و بانک‌های بین‌المللی در ایران بی‌نهایت می‌گردد. از این رو این بخش‌ها از حوزه برآورد و تحلیل‌ها کنار گذاشته می‌شود. همچنین بخش‌هایی که هیچ‌گونه فعالیت قابل تجارتی با دنیای خارج ندارند، نیز از تحلیل کنار گذاشته شده‌اند. به‌طور کلی این مقاله درصدد پاسخگویی به این سؤال است که آیا آزادسازی تجاری (به‌واسطه افزایش رقابت) باعث کاهش نابرابری دستمزد بین نیروی کار شهری و روستایی می‌شود.

مروری بر ادبیات موضوع

تئوری Heckscher-Ohlin و مدل تبعیض سلیقه‌ای^۱ (Becker 1957)

تئوری Heckscher-Ohlin-Samuelson (1933 and 1941) که در رابطه با تجارت بین کشورها در نظریه تجارت بین‌الملل مطرح شد، پیش‌بینی می‌کند که افزایش تجارت، تقاضا برای عوامل تولیدی که در کشور از وفور نسبی برخوردار هستند و همچنین در تولید کالایی اشتغال دارند که کشور در تولید آن کالا مزیت نسبی دارد را افزایش می‌دهد. لذا افزایش تقاضا برای عوامل تولید به‌واسطه افزایش تجارت باعث افزایش دستمزد نسبی عوامل تولید فراوان کشور می‌شود. در کشورهای در حال توسعه اگر نیروی کار روستایی نسبت به نیروی کار شهری از مهارت پایین‌تری برخوردار باشند، بر طبق این تئوری تفاوت دستمزد بین شهری و روستایی در کشورهای در حال توسعه کاهش می‌یابد و در کشورهای توسعه یافته این تفاوت دستمزد افزایش می‌یابد.

Becker (1957) از مدل تبعیض سلیقه‌ای کارفرما برای تحلیل شکاف دستمزد ناشی از تبعیض که به‌وسیله کارفرما قابل اجرا است، استفاده می‌کند. او در مدل تبعیض خود، بیان می‌کند که بعضی از کارفرمایان دارای ترجیحات شخصی هستند و تمایل دارند که گروهی خاصی از افراد را استخدام کنند. بسته به شدت ترجیحات شخصی کارفرما، استخدام گروه خاصی از مردم برای کارفرما عدم مطلوبیت مثبت ایجاد می‌کند، بنابراین کارفرمایان ترجیح می‌دهند که نسبتی کمتری از آنان را استخدام کنند، عدم مطلوبیتی که کارفرما از استخدام کارگران این گروه به دست

۱- discrimination taste

می آورند، وابسته به نسبت کارگران استخدام شده در بنگاه است؛ بنابراین کارفرما در چنین شرایطی به جای حداکثر کردن سود بنگاه، تابع مطلوبیت شخصی خود را به صورت زیر ماکزیمم می کند:

$$U(f, F/M) = f - d(F/M) = f(M + F) - w_m M - w_f F - d(F/M) \quad (1)$$

در معادله بالا $f(M + F)$ تابع تولید بنگاه، F و M تعداد افراد مربوط به گروه اول و گروه دوم استخدام شده، می باشد. گروه اول، گروهی است که استخدام آنها برای کارفرما عدم مطلوبیت ایجاد می کند، گروه دوم مربوط به افرادی است که استخدام آنها برای کارفرما مطلوبیت مثبت ایجاد می کند. w_f و w_m دستمزد گروه دوم و گروه اول است، d عدم مطلوبیتی را نشان می دهد که کارفرما از استخدام گروه اول به دست می آورد. مقدار d برای کارفرماهای مختلف متفاوت می باشد، کارفرمایانی که تبعیض را اجرا می کنند d مثبت است و در صورتی که کارفرما تبعیض را اعمال نکند، مقدار d صفر است. برای ماکزیمم سازی تابع مطلوبیت کارفرما، شرایط مرتبه اول به صورت مشتق اول تابع مطلوبیت نسبت به تعداد گروه اول و دوم به دست آمده است.

$$MPL = w_f + d/M \quad (2)$$

$$MPL = w_m - d(F/M^2)$$

MPL تولید نهایی کار می باشد.

شرایط مرتبه اول نشان می دهد که در تعادل، دستمزد پرداخت شده به گروه دوم بزرگتر از دستمزد پرداخت شده برای گروه اول است. کارفرماها هزینه استخدام گروه اول را به وسیله نسبت گروه اول استخدام شده تعدیل می کنند، کارفرماهایی که تبعیض کمتری اعمال می کنند و یا d کمتری دارند، به نسبت تعداد بیشتری از گروه اول را استخدام می کنند، به طور کلی کارفرمایانی که تبعیض دستمزد را اعمال می کنند، نسبت به حالت ماکزیمم کردن سود، تعداد کمتری از گروه اول را استخدام می کند و قسمتی از رانت موجود در بنگاه را در شکل افزایش دستمزد با گروه دوم تقسیم می کنند. تفاوت دستمزد بین گروه اول و گروه دوم برابر است، با تفاوت در بهره وری بین گروه اول و گروه دوم و جزئی که رانت دریافت شده به وسیله گروه دوم را نشان می دهد.

$$w_m - w_f = (MPL_m - MPL_f) + [d_j / M_j + d_j (F_j / M_j^2)]$$

$$= (MPL_m - MPL_f) + \text{discrimination gap}_j \quad (۳)$$

بر طبق معادله (۳) زمانی که مشخصات نیروی کار با هم برابر باشد، $(MPL_m = MPL_f)$ تفاوت دستمزد بین گروه اول و گروه دوم برابر است با بخشی که به عنوان تبعیض دستمزد شناخته می‌شود:

$$w_m - w_f = \text{discrimination gap}_j \quad (۴)$$

بنابراین شکاف دستمزد (تبعیض دستمزد) به در دسترس بودن رانت برای پرداخت به گروه دوم بستگی دارد، کارفرمایانی که در محیط نسبتاً رقابتی عمل می‌کنند، رانت کمتری را به دست می‌آورند، لذا تبعیض دستمزد کمتری اعمال می‌کنند. Becker (1971) نشان می‌دهد که رابطه مثبت بین آزادسازی و کاهش در شکاف دستمزد ناشی از تبعیض وجود دارد. کارفرمایان که علیه گروه خاصی تبعیض را به کار می‌گیرند، هزینه بنگاه را افزایش می‌دهند، به‌طور مثال اگر یک بنگاه کارگران مرد را به زن ترجیح دهد، نتیجه این می‌شود که دستمزدی بیش از ارزش تولید نهایی به کارگر مرد پرداخت می‌شود، حال آنکه به زنان دستمزدی کمتر از ارزش تولید نهایی آن‌ها را می‌پردازند، در نتیجه این رفتار کارفرماها، زنان با بهره‌وری بالا از بازار کار خارج می‌شوند و بهره‌وری کل بازار کاهش می‌یابد. در بازار غیررقابتی بنگاه‌ها سود مازادی دارند که ممکن است آن را صرف تبعیض نمایند؛ اما در بازارهای رقابتی که سود صفر دارند، اگر تبعیض را اجرا کنند، سود بنگاه منفی می‌شود. Black & Brainerd (2004), Dutta (2005), Artecona & Cunningham (2002) Anna Lovasz (2008)

مروری بر مطالعات انجام شده

اگرچه مطالعات انجام شده تاکنون اثر آزادسازی تجاری را بر روی نابرابری دستمزد بین زن و مرد و نیروی کار ماهر و غیرماهر بررسی کرده‌اند، اما این مطالعه اثر آزادسازی تجاری را بر روی تفاوت دستمزد نیروی کار شهری و روستایی بررسی می‌کند. در سال‌های اخیر یکی از عوامل اساسی در روند مهاجرت روستا به شهر، عوامل درآمدی هستند که شهرنشینان نسبت به روستاییان برای یک سطح ثابت از سرمایه انسانی درآمد بیشتری را به دست می‌آورند و انگیزه مهاجرت را افزایش می‌دهد؛ بنابراین توجه به این مقوله در اقتصاد در حال توسعه ایران مهم و دارای ارزش

است. بر اساس تئوری اقتصادی در صورت ایجاد رقابت، هر فرد بر اساس ارزش تولیدی که ایجاد می‌کند، دستمزد دریافت می‌کند؛ بنابراین تفاوت‌های دستمزد ناشی از تبعیض از بین می‌روند. Zaki (2010) به بررسی رابطه بین سیاست‌های تجاری و نابرابری دستمزدها در کشور مصر با تفکیک نابرابری دستمزد به سه بعد نابرابری دستمزد در جنسیت (مرد در برابر زن)، منطقه‌ای (روستایی در برابر شهری) و شرایط (شغل کیفیت پایین در مقابل شغل کیفیت بالا) می‌پردازد. زکی نشان می‌دهد که روستاییان، کارگران دارای شغل‌های با کیفیت پایین و زنان بیشتر تحت تأثیر موانع تجاری می‌باشند. Klein (2010) نشان می‌دهد که افزایش در صادرات باعث افزایش نابرابری دستمزدها در بعد مهارت می‌شود؛ اما در طول زمان نابرابری دستمزد در ابعاد نابرابری جنسیتی و منطقه‌ای کاهش می‌یابد. Nicita (2004) نشان می‌دهد که آزادی سازی تجاری در مکزیک در نابرابری دستمزد بین شمال و جنوب کشور، شهری و روستایی و نیروی کار ماهر و غیرماهر نقش مهمی دارد. Black & Brainerd (2004) اثر افزایش تجارت را بر روی تغییرات در شکاف دستمزد در ایالات متحده بررسی می‌کنند، نتیجه می‌گیرند که افزایش رقابت به واسطه افزایش تجارت اگرچه باعث کاهش دستمزد نیروی کار با مهارت پایین تر می‌شود و نابرابری دستمزد بین افراد با مهارت بالا و پایین را افزایش می‌دهد ولی باعث بهبود پرداخت نسبی زنان در صنایعی که قبلاً درون‌گرایی بیشتری داشته‌اند، می‌شود. همچنین طبق تئوری تبعیض دستمزد بیکر، تبعیض دستمزد بین زن و مرد کاهش می‌یابد. (Baliamoune & Lutz (2004) در مطالعه‌ای با استفاده از داده‌های ۳۹ کشور، به بررسی اثرات آزادسازی تجاری، عمیق بودن بازار مالی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر روی نابرابری روستایی-شهری در آفریقا می‌پردازد. آن‌ها نابرابری روستایی-شهری را با نسبت رشد ستانده کشاورزی به رشد ستانده صنعت اندازه‌گیری می‌کنند. نتایج مدل‌های تخمینی آن‌ها نشان می‌دهد که با آزادسازی تجاری نابرابری روستایی-شهری کاهش می‌یابد؛ اما اثرات عمیق بودن بازار مالی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر نابرابری مشخص نیست. (Shahbaz et al. (2007) با استفاده از روش‌های مختلف اقتصادسنجی رابطه بین عملکرد بازار مالی، باز بودن تجارت و نابرابری درآمدی روستایی-شهری را برای کشور پاکستان بررسی می‌کنند. نتیجه مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد که عملکرد بهتر بازار مالی نابرابری درآمد شهری-روستایی را کاهش می‌دهد، اما باز بودن تجارت و تورم پایین نابرابری را افزایش می‌دهد. Nursel Aydiner-Avsar (2010) در مطالعه‌ای مشابه اثر تجارت بین‌الملل را بر روی شکاف

دستمزد ناشی از جنسیت برای کشور ترکیه بررسی می‌کند. او ابتدا کل فعالیت اقتصاد را به دو بخش قابل تجارت و غیرقابل تجارت تقسیم می‌کند. نتایج چندک رگرسیون نشان می‌دهد که شکاف دستمزد ناشی از جنسیت در بخش قابل تجارت بیش از بخش غیرقابل تجارت می‌باشد و این نشان می‌دهد که نظریه تجارت غیرنوکلاسیک‌ها تأیید می‌شود. Elizabeth Jane (2012) در مقاله‌ای تحت عنوان آزادسازی تجاری و تبعیض دستمزد بین زن و مرد با استفاده از مدل OLS نشان می‌دهد، افزایش صادرات به بقیه جهان و صادرات به کشور آمریکا باعث کاهش تبعیض دستمزد بین زن و مرد می‌شود، افزایش واردات (غیر از آمریکا) باعث افزایش شکاف دستمزد ناشی از جنسیت می‌شود؛ اما کاربرد مدل پانل دیتا با در نظر گرفتن اثرات ثابت، نشان می‌دهد که اثر کاهش تعرفه معنی‌دار است ولی قوی نیست؛ بنابراین در این مورد رابطه‌ی قوی بین روابط تجاری و تبعیض دستمزد وجود ندارد.

روش پژوهش

بر طبق مدل تبعیض سلیقه‌ای بیکر، تفاوت دستمزد ناشی از دو عامل تفاوت در سرمایه انسانی (قسمت توضیح داده شده) و تبعیض دستمزد (قسمت غیرقابل توضیحی) است، یکی از مدل‌هایی که سهم دو عامل مورد نظر را از هم تفکیک می‌کند، مدل تجزیه Oaxaca blinder (1973) است؛ اما این بررسی بر آن است تا اثر آزادسازی تجاری را بر شکاف دستمزد روستایی - شهری بررسی نماید، لذا از معادله دستمزد Mincer (1974) برای تعیین اثر متغیرهای سرمایه انسانی مانند سطح تحصیلات، تجربه و شرایط کاری مانند محل اشتغال و نوع شغل استفاده می‌شود. فعالیت افراد در بخش قابل تجارت یا غیرقابل تجارت می‌تواند دستمزد را تحت تأثیر قرار دهد، لذا از متغیرهای مانند صادرات، واردات و تعرفه نیز در معادله تعیین دستمزد استفاده شده است. معادله (۵)، مدل Mincer (1974) را نشان می‌دهد. این معادله بیان می‌کند که دستمزد توسط عوامل متعددی از قبیل سرمایه انسانی، جنسیت، ویژگی‌های محل کار و ویژگی‌های نوع فعالیت تعیین می‌شود.

$$\ln w_{real,i} = r + S_{exp} \exp + S_{exp2} \exp2 + S_{schooling} schooling + S_{public} public + S_{female} female + S_{pro} professional + S_{tech} technician + S_{clerk} clerk + S_{sale} sales + S_{craf} crafts + S_{industry} industry + S_{min} min + S_{agrifish} agrifish + S_{export} export + S_{import} import + S_{tariff} tariff + residuals \quad (5)$$

در مدل (۵) Inwreal لگاریتم درآمد ماهیانه واقعی، exp تجربه افراد^۱، exp2 مربع تجربه، schooling سال‌های تحصیل، public متغیر دامی اشتغال در بخش عمومی، برای بخش عمومی برابر با ۱ و برای بخش خصوصی برابر با صفر، female متغیر دامی جنسیت برای زنان ۱ و برای مردان صفر در نظر گرفته شده است. در این بررسی شغل‌ها به ۶ دسته تقسیم شده است، به طوری که ssionalproffe متغیر دامی شغل متخصص، technician متغیر دامی تکنیسین و دستیاران، clerk متغیر دامی کارکنان خدمات دفتری، sales متغیر دامی کارکنان خدمات فروش، craft متغیر دامی صنعت گران و کارگران مربوط به بخش مونتاژ ماشین‌آلات، simple متغیر دامی کارگران بخش کشاورزی و کارگران ساده ساختمانی که در این مدل به‌عنوان مبنا در نظر گرفته شده است. دستمزد علاوه بر اینکه تحت تأثیر نوع شغل، سطح تحصیلات و تجربه است، تحت تأثیر نوع بخش فعالیت فرد نیز است، از این رو برای در نظر گرفتن بخش فعالیت، متغیرهای دامی فعالیت اضافه شده است service، min، industry، agrifish و به ترتیب محل فعالیت فرد در بخش کشاورزی و شیلات، صنعت، معدن و خدمات است، در این تحلیل نیز بخش خدمات به‌عنوان متغیر مبنا در نظر گرفته شده است. export، import و tariff به ترتیب صادرات، واردات و تعرفه ساده می‌باشد.

با توجه به اینکه اثر متغیرهای توضیحی بر درآمد ماهیانه در چندک‌های مختلف درآمدی متفاوت است لذا برای تحلیل اثر متغیرهای توضیحی بر درآمد ماهیانه از روش چندک رگرسیون^۲ که به وسیله Koenker & bassett (1978) معرفی شده است، نیز استفاده شده است، این روش برخلاف مدل OLS اثر نهایی متغیرهای توضیح دهنده را بر روی متغیر وابسته در نقاط مختلف توزیع و نه فقط میانگین را بررسی می‌کند. مدل اقتصادسنجی چندک رگرسیون برای چندک "ام متغیر وابسته به‌عنوان تابع خطی از متغیرهای توضیح دهنده به صورت زیر برآورد می‌شود.

$$y_i = x_i' S_{\alpha} + u_{ii}, \quad Quant_{\alpha}(y_i | x_i) = x_i' S_{\alpha} \quad (6)$$

۱ - تجربه افراد به صورت سن منهای سالهای تحصیل منهای ۶ محاسبه شده است.

X_i بردار متغیرهای مربوط به سطح تحصیلات، تجربه و متغیرهای مربوط به وضعیت شغلی و فعالیت هر فرد می‌باشد. در معادله (۶) $Quant_i(y_i | x_i)$ چندک شرطی y_i را به شرط x_i نشان می‌دهد. همان‌طور که معادله (۶) دلالت می‌کند که $Quant_i(u_i | x_i) = 0$ برقرار است. در ساختار چندک رگرسیون، اثر مشخصات قابل مشاهده بر روی توزیع شرطی دستمزد به وسیله فرایند مینیم کردن قدرمطلق عنصر خطاها تخمین زده می‌شود. برای برآورد ضرایب مدل فوق از حداقل سازی قدرمطلق خطاها با وزن دهی مناسب استفاده می‌کنیم:

$$\min S_r \left\{ \sum_{i: \ln w_i \geq x_i' S_r} \ln w_i - x_i' S_r + \sum_{i: \ln w_i < x_i' S_r} (1 - \alpha) |\ln w_i - x_i' S_r| \right\} \quad (7)$$

$i = u, r$ جایی که r به عنوان گروه روستایی، u را به عنوان گروه شهری و متغیر درآمد ماهیانه را به صورت w در نظر گرفته شده است. معادله (۸)، مدل تجزیه اکساکا بلیندر است که برای تعیین سهم نابرابری ناشی از تبعیض و نابرابری ناشی از سطوح مختلف سرمایه انسانی استفاده شده است. معادله ۸ قسمت اول تفاوت دستمزدها را به تفاوت ویژگی افراد (تحصیلات، تجربه و ویژگی‌های صنعت افراد) یعنی تفاوت بهره‌وری نسبت می‌دهد، قسمت دیگر که توسط مشخصات افراد توضیح داده نمی‌شود، به تبعیض بین روستایی و شهری نسبت می‌دهند.

$$\hat{R} = (\bar{x}_u - \bar{x}_r)' \hat{S}_u + x_r' (\hat{S}_u - \hat{S}_r) \quad (8)$$

\hat{R} در رابطه (۸) نشانگر تفاوت کل درآمد ماهیانه روستایی و شهری می‌باشد. در اعمال روش بلیندر اکساکا ضرایب مربوط بازدهی شهری را مورد استفاده قرار گرفته است، جزء اول رابطه (۸) تغییرات در درآمد روستاییان را زمانی که دارای مشخصات بهره‌وری شهری باشند، به عبارتی قسمت توضیح داده شده، یا قسمت تفاوت در سرمایه انسانی را نشان می‌دهد. جزء دوم تغییر در میانگین درآمد روستاییان را زمانی که بر طبق بازدهی شهری جبران شود را نشان می‌دهد. به عبارتی قسمت غیرقابل توضیحی یا همان قسمت تبعیض دستمزد را نشان می‌دهد.

داده‌های پژوهش و تحلیل داده‌ها

همان‌طور که در ابتدا گفته شد، مقاله حاضر به بررسی اثر آزادسازی تجاری بر نابرابری

دستمزد بین نیروی کار شهری و روستایی می‌پردازد؛ بنابراین تلفیقی از داده‌های بودجه خانوار و تجارت در بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ را مورد استفاده قرار می‌دهد، در واقع این دو مجموعه از داده‌ها با روش‌هایی در نرم‌افزار STATA ادغام می‌شوند.

گزارش ویژگی اقتصادی و اجتماعی خانوار از دو قسمت تشکیل شده است. در قسمت اول، نتایج حاصل از خصوصیات اجتماعی و اقتصادی خانوارهای پرسش شده گزارش شده است، قسمت دوم، هزینه‌ها و درآمدهای خانوار گزارش شده است. بخش مربوط به هزینه‌ها و درآمدهای خانوار خود شامل زیربخش هزینه‌های خوراکی و جانبی خانوار، هزینه‌های غیرخوراکی خانوار و درآمدهای اعضای خانوار است. در قسمت اول این گزارش، اطلاعات تکمیلی مربوط به ویژگی‌های جمعیتی خانوار شامل سن، جنس، بستگی با سرپرست خانوار، محل سکونت، وضعیت سواد، مدرک تحصیلی و ۰۰۰ و فعالیت اقتصادی افراد و شغل آن‌ها ارائه می‌شود. شغل افراد، در این قسمت در سطح کدهای چهاررقمی ISCO^۱ گزارش شده است. بر اساس طبقه‌بندی ISCO شغل‌ها به ۹ دسته تقسیم شده‌اند؛ که در این مورد به دلیل اینکه حجم داده برای برخی از مشاغل کم است و نمی‌توان تحلیل درستی با این حجم داده ارائه داد، با ادغام بعضی از شغل‌ها، به ۶ دسته تقسیم شده است. کدهای سه رقمی و دو رقمی سطح تحصیلات بر اساس طبقه‌بندی بین‌المللی ISCED^۲ نیز در داده‌های بودجه خانوار موجودند، با استفاده از این طبقه‌بندی در این بررسی تعداد سال‌های تحصیل محاسبه شده است.^۳ جدول (۲) نمود کلی از داده‌ها برای سال ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ را ارائه داده است و نشان می‌دهد که سطح تحصیلات شهری بیش از روستایی است و این یکی از عوامل مؤثر در شکاف دستمزد بین نیروی کار شهری و روستایی است. نسبت افرادی که در بخش کشاورزی و در روستا مشغول به فعالیت هستند برای سال ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ به ترتیب برابر با ۸۴ و ۸۳ درصد است که بیش از شهری می‌باشد. نسبت افرادی که در شهر در بخش خدمات مشغول به فعالیت هستند، به ترتیب در سال ۱۳۸۰ و سال ۱۳۹۰ برابر با ۳ و ۲ درصد است

۱- International standard classification occupation

۲- International standard classification education

۳ با توجه به اینکه مرکز آمار ایران تنها برای سال ۱۳۸۴ به بعد ساعت‌های کاری را آورده است لذا در این بررسی از داده ماهیانه استفاده شده است.

که بیش از روستا می باشد. داده ها همچنین نشان می دهد که در سال ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰ به ترتیب ۸۵ و ۸۴ درصد از افراد روستایی در شغل های ساده مشغول به کار هستند، این در حالی است که بیشتر افراد شهری در شغل صنعت کار مشغول به کار هستند.

جدول ۲- توصیف داده ها به تفکیک روستایی و شهری

شهری		روستایی		متغیر
۱۳۹۰	۱۳۸۰	۱۳۹۰	۱۳۸۰	سال
۱۳,۲۷	۱۳,۷۲	۱۲,۵۹	۱۲,۹۴	دستمزد واقعی
۵,۲	۶,۸۸	۱,۸۴	۳,۰۷	سال های تحصیل
				جنسیت
۹۴	۹۳	۹۵	۹۱	مرد %
۶	۷	۵	۹	زن %
بخش استخدام شده				
۳۴	۲۳	۸۳	۸۴	کشاورزی %
۵	۶	۲	۱	معدن %
۵۹	۶۸	۱۵	۱۵	صنعت %
۲	۳	۰/۱	۰/۱	خدمات %
				نوع شغل
۶	۶	۰/۶	۰/۴	تخصصی %
۴	۵	۰/۵	۰/۵	تکنیسین %
۳,۵	۴,۵	۰/۴	۰/۵	خدمات دفتری %
۳,۵	۱,۵	۰/۵	۰/۶	خدمات فروش %
۳۹	۳۰	۸۴	۸۵	ساده %
۴۴	۵۳	۱۴	۱۳	صنعت کار %

منبع: محاسبات محقق

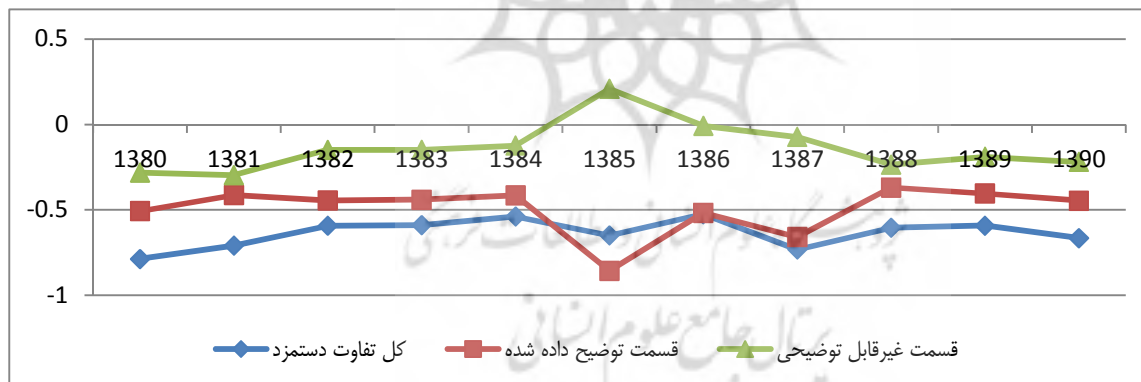
نتایج تجربی

نتایج حاصل از تجزیه (1973) Oaxaca blinder که در جدول (۳) و نمودار (۴) آورده شده است، نشان می دهد که سهم نسبتاً زیادی از تفاوت دستمزد بین روستایی و شهری ناشی از وجود تفاوت در سطح سرمایه انسانی است؛ و این دلالت بر کارا بودن تفاوت دستمزدها می کند. اگرچه این سهم در طول سال های مختلف نوساناتی داشته است، ولی در سال ۱۳۸۴ سهم تبعیض از تفاوت

دستمزد ۲۳ درصد و در سال ۱۳۹۰ این سهم به ۳۳ درصد افزایش یافته است. به طور خلاصه در طول دوره مطالعه سهم تبعیض دچار نوساناتی شده است. با توجه به اینکه سهم بخش توضیحی در تمام سال‌ها بالای ۵۰ درصد است، این می‌تواند بر کارایی دستمزدها دلالت داشته باشد. سهم تبعیض در توضیح تفاوت دستمزد در سال ۱۳۸۱ در حداکثر و در سال ۱۳۸۵ در حداقل و به نفع نیروی کار روستایی وجود دارد. همان‌طور که جدول (۳) نشان می‌دهد، تفاوت دستمزد ناشی از تبعیض و تفاوت دستمزد ناشی از سرمایه انسانی کاهش پیدا کرده است. ولی به طور نسبی سهم تبعیض کاهش یافته است و سهم تفاوت ناشی از سرمایه انسانی افزایش یافته است.

برای تعیین اثر متغیرهای سرمایه انسانی، ویژگی‌های شغلی و فعالیت افراد و همچنین اثر آزادسازی تجاری بر روی شکاف دستمزد روستایی و شهری از دو معادله (Mincer (1974) در چندک‌های مختلف برای نیروی کار روستایی و شهری به تفکیک استفاده شده است. جدول (۴)، نتایج تخمین رابطه (۵) را برای نیروی کار شهری و جدول (۵)، نتایج تخمین رابطه (۵) را برای نیروی کار روستایی نشان می‌دهند. لازم به ذکر است که رابطه (۵) تنها برای بخش قابل تجارت برآورد شده است.

جدول (۴) و (۵) اثرات متغیرهای توضیحی بر دستمزد در چندک‌های مختلف درآمدی را بررسی می‌کنند، اما در ستون آخر از حداقل مربعات نیز استفاده شده است. برآوردهای بخش شهری و روستایی نشان می‌دهند که تجربه اثر مثبت معنی‌داری بر روی دستمزد دارد.



نمودار ۴- تجزیه دستمزد اکساکا بلیندر

جدول ۳- تجزیه دستمزد اکساکا بلیندر

متغیرها	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰
دستمزد روستایی	13.0***	13.2***	13.3***	13.3***	13.4***	13.4***	13.5***	13.0***	13.0***	13.0***	12.8***
	-792.5	-937.6	-830.1	-789.5	-722.6	-955.3	-792.7	-889.6	-911	-929.2	-616.4
دستمزد شهری	13.7***	13.9***	13.9***	13.9***	13.9***	14.0***	14.0***	13.8***	13.6***	13.6***	13.5***
	-567	-673.9	-583.6	-563	-605.3	-632.8	-600.6	-701.1	-683.3	-655	-600.6
تفاوت دستمزد	0.78***	0.70***	0.59***	0.58***	0.53***	0.64***	0.52***	0.73***	0.60***	0.59***	0.66***
	(-26.83)	(-28.36)	(-20.62)	(-19.62)	(-18.16)	(-24.68)	(-18.16)	(-29.74)	(-24.55)	(-23.63)	(-21.68)
قسمت توضیح داده شده	0.50***	0.41***	0.44***	0.44***	0.41***	0.85***	0.51***	0.65***	0.36***	0.40***	0.44***
	(-16.10)	(-16.41)	(-15.70)	(-14.93)	(-16.39)	(-28.39)	(-18.35)	(-25.98)	(-17.55)	(-17.84)	(-16.40)
قسمت غیر قابل توضیحی	0.28***	0.29***	0.14***	0.14***	0.12***	0.20***	-0.0077	0.072**	0.23***	0.18***	0.21***
	(-7.738)	(-9.922)	(-4.422)	(-4.249)	(-3.813)	-6.182	(-0.236)	(-2.457)	(-8.603)	(-6.802)	(-6.723)
سهم توضیح داده شده	0.64	0.58	0.75	0.75	0.77	1.32	0.98	0.90	0.61	0.68	0.67
سهم غیر قابل توضیحی	0.36	0.42	0.25	0.25	0.23	-0.32	0.01	0.10	0.39	0.32	0.33

در چندک‌های بالای درآمدی تجربه اثر کمتری بر روی دستمزد دارد. مربع تجربه نشانگر اثر کهولت افراد بر درآمد ماهیانه افراد است، بنابراین هر چه افراد به سن کهولت برسند، درآمد ماهیانه آن‌ها به طور متوسط و معناداری کاهش می‌یابد. در مناطق شهری به دلیل برخورداری افراد از درآمدهای بازنشستگی این کاهش کمتر است اما در مناطق روستایی به دلیل اینکه فعالیت‌های کشاورزی نیاز به توان فیزیکی دارد لذا در دوران کهولت کاهش بزرگ‌تری در درآمد را تجربه می‌کنند. اثر متغیر تعداد سال‌های تحصیل بر روی دستمزد شهری بیش از بخش روستایی است، با

توجه به اینکه سطح تحصیلات شهری بیش از روستایی است؛ بنابراین تعداد سال‌های تحصیل می‌تواند، قسمت بیشتری از شکاف دستمزد بین شهری و روستایی را توضیح می‌دهد؛ اما در شهرها هر چه به سمت چندک‌های بالاتر حرکت می‌کنیم اثر آن بر روی دستمزد کاهش می‌یابد، اما در روستاها هر چه به سمت چندک‌های بالاتر حرکت می‌کنیم، این اثر افزایش می‌یابد.

جدول ۴- معادله مینسر برای نیروی کار شهری								
ols	0.95th	0.9th	0.75th	.5th	.25th	.10th	.05	VARIABLES
0.0653***	0.0572***	0.0525***	0.0501***	0.0547***	0.0723***	0.0948***	0.107***	exp
(55.24)	(36.53)	(40.41)	(46.77)	(53.73)	(45.62)	(30.81)	(23.45)	
-0.0004***	-0.0003***	-0.0003***	-0.0003***	-0.0004***	-0.0005***	-0.0006***	-0.0006***	exp2
(-46.63)	(-27.45)	(-30.74)	(-37.57)	(-46.94)	(-43.09)	(-30.11)	(-22.84)	
0.0463***	0.0430***	0.0410***	0.0384***	0.0387***	0.0424***	0.0470***	0.0503***	schooling
(29.56)	(17.41)	(20.21)	(24.73)	(28.63)	(21.11)	(12.17)	(8.520)	
-1.063***	-0.561***	-0.608***	-0.828***	-1.082***	-1.321***	-1.391***	-1.385***	female
(-56.85)	(-22.09)	(-28.45)	(-47.26)	(-67.09)	(-55.53)	(-31.62)	(-21.56)	
0.106***	0.155***	0.114***	0.0979***	0.0854***	0.0827***	0.133**	0.187**	craft
(4.697)	(5.230)	(4.543)	(4.604)	(4.376)	(2.909)	(2.562)	(2.489)	
0.272***	0.387***	0.272***	0.259***	0.205***	0.162***	0.297***	0.373***	sale
(6.815)	(7.173)	(6.042)	(6.905)	(5.947)	(3.224)	(3.204)	(2.734)	
0.331***	0.271***	0.244***	0.255***	0.243***	0.236***	0.361***	0.476***	clerk
(9.246)	(5.680)	(6.006)	(7.612)	(7.867)	(5.241)	(4.403)	(3.996)	
0.503***	0.449***	0.430***	0.403***	0.407***	0.397***	0.532***	0.682***	technician
(14.48)	(9.469)	(10.88)	(12.37)	(13.58)	(9.022)	(6.623)	(5.815)	
0.687***	0.880***	0.765***	0.685***	0.607***	0.560***	0.701***	0.759***	prof
(21.05)	(19.05)	(19.90)	(21.96)	(21.57)	(13.82)	(9.634)	(7.228)	
0.446***	0.253***	0.308***	0.347***	0.375***	0.435***	0.612***	0.742***	public
(21.31)	(8.937)	(12.96)	(17.82)	(20.76)	(16.52)	(13.10)	(10.85)	
-0.210***	0.275***	0.135**	-0.179***	-0.325***	-0.579***	-0.554***	-0.414***	agrifish
(-4.440)	(4.234)	(2.510)	(-4.030)	(-7.995)	(-9.710)	(-5.097)	(-2.667)	
0.390***	-0.0242	0.124***	0.170***	0.333***	0.436***	0.659***	0.841***	industry
(9.603)	(-0.423)	(2.644)	(4.430)	(9.492)	(8.420)	(6.961)	(6.222)	
0.542***	0.129*	0.317***	0.345***	0.466***	0.599***	0.802***	1.083***	min
(11.38)	(1.950)	(5.841)	(7.750)	(11.34)	(9.837)	(7.156)	(6.706)	
0	-0	-0	0	0**	0**	0**	0**	import
(1.182)	(-0.954)	(-0.409)	(1.136)	(2.513)	(4.760)	(3.628)	(2.870)	
-0.0016***	-0.0011***	-0.0011***	-0.0013***	-0.0016***	-0.002***	-0.001***	-0.002***	tariff
(-13.32)	(-6.251)	(-7.395)	(-10.98)	(-15.79)	(-14.56)	(-8.589)	(-7.349)	
-7.88e-11***	-0	-0	-0	-0***	-6.74e-11***	-1.30e-10***	-1.61e-10***	export
(-7.138)	(-1.139)	(-0.798)	(-1.567)	(-4.190)	(-5.002)	(-5.374)	(-4.463)	
12.31***	13.77***	13.53***	13.26***	12.73***	11.95***	10.70***	9.728***	Constant
(247.8)	(204.0)	(240.1)	(286.4)	(297.6)	(184.6)	(87.74)	(54.70)	
30,713	30,713	30,713	30,713	30,713	30,713	30,713	30,713	Observations
0.330								R-squared

t-statistics in parentheses
 *** p<0.01, ** p<0.05, * p<0.10

جدول ۵- معادله مینسر برای نیروی کار روستایی

	OLS	0.95th	0.9th	0.75th	.5th	.25th	.10th	.05	VARIABLES
	0.0418***	0.0377***	0.0397***	0.0366***	0.0419***	0.0480***	0.0518***	0.0464***	Exp
	(45.81)	(23.25)	(31.83)	(39.49)	(42.03)	(37.04)	(25.18)	(17.61)	
	-0.0007***	-0.0006***	-0.0005***	-0.0005***	-0.0006***	-0.0009***	-0.001***	-0.001***	exp2
	(-42.46)	(-17.25)	(-24.66)	(-32.30)	(-39.05)	(-37.61)	(-27.47)	(-19.94)	
	0.0363***	0.0393***	0.0394***	0.0358***	0.0350***	0.0360***	0.0295***	0.0239***	Schooling
	(23.19)	(13.08)	(17.37)	(21.78)	(20.50)	(16.40)	(8.577)	(5.445)	
	-0.772***	-0.440***	-0.461***	-0.609***	-0.851***	-0.992***	-0.927***	-0.852***	Female
	(-65.52)	(-20.97)	(-28.38)	(-50.34)	(-66.09)	(-60.69)	(-36.17)	(-26.22)	
	0.0705***	0.0653*	0.0934***	0.109***	0.0682***	0.0604**	0.0272	0.0362	Craft
	(3.515)	(1.760)	(3.156)	(5.100)	(3.118)	(2.256)	(0.645)	(0.673)	
	0.212***	0.171*	0.235***	0.246***	0.178***	0.155**	0.286**	0.266*	Sale
	(3.904)	(1.783)	(3.188)	(4.436)	(3.015)	(2.048)	(2.391)	(1.751)	
	0.370***	0.184*	0.264***	0.296***	0.317***	0.370***	0.494***	0.487***	Clerk
	(6.750)	(1.871)	(3.436)	(5.231)	(5.304)	(4.896)	(4.155)	(3.232)	
	0.527***	0.297***	0.346***	0.432***	0.418***	0.572***	0.854***	0.959***	Technician
	(9.384)	(2.864)	(4.269)	(7.358)	(6.828)	(7.531)	(7.672)	(6.828)	
	0.548***	0.522***	0.521***	0.540***	0.501***	0.495***	0.631***	0.808***	Prof
	(9.819)	(5.008)	(6.497)	(9.179)	(8.234)	(6.565)	(5.246)	(5.246)	
	0.722***	0.605***	0.633***	0.588***	0.580***	0.698***	0.840***	0.996***	Public
	(26.74)	(11.84)	(16.30)	(20.96)	(19.66)	(19.00)	(14.71)	(13.50)	
	-0.151**	0.145	-0.0736	-0.267***	-0.342***	-0.145	0.110	0.444**	Agfish
	(-2.077)	(1.046)	(-0.681)	(-3.428)	(-4.316)	(-1.505)	(0.752)	(2.435)	
	0.395***	0.207	0.134	0.177**	0.349***	0.611***	0.818***	1.134***	Industry
	(5.597)	(1.540)	(1.291)	(2.349)	(4.531)	(6.503)	(5.774)	(6.425)	
	0.594***	0.188	0.142	0.260***	0.462***	0.922***	1.307***	1.646***	min
	(7.914)	(1.331)	(1.292)	(3.266)	(5.648)	(9.183)	(8.514)	(8.577)	
	-6.73e-11***	-7.34e-11***	-7.58e-11***	-5.51e-11***	-5.32e-11***	-0***	-5.36e-11***	-0***	import
	(-18.46)	(-8.983)	(-12.72)	(-13.67)	(-13.38)	(-10.12)	(-7.316)	(-5.158)	
	-0.0038***	-0.0019***	-0.0022***	-0.0027***	-0.0038***	-0.0049***	-0.0062***	-0.0071***	tariff
	(-26.26)	(-5.616)	(-8.745)	(-16.40)	(-24.06)	(-27.89)	(-25.54)	(-23.70)	
	-1.10e-10***	-0***	-5.92e-11***	-0***	-6.18e-11***	-1.20e-10***	-1.93e-10***	-2.03e-10***	export
	(-14.91)	(-2.851)	(-5.438)	(-4.919)	(-7.704)	(-12.22)	(-12.83)	(-10.66)	
	12.62***	13.93***	13.75***	13.42***	12.86***	11.93***	10.96***	10.21***	Constant
	(170.1)	(99.67)	(125.9)	(169.8)	(159.0)	(119.9)	(72.79)	(54.61)	
	73,611	73,611	73,611	73,611	73,611	73,611	73,611	73,611	Observations
	0.172								R-squared

ضرایب شغل‌های تخصصی، تکنسین، خدمات فروش، خدمات دفتری و صنعت کار مثبت است. این نشان می‌دهد که چنین شغل‌های نسبت به کار ساده دستمزد بیشتری در تمام چندک‌ها می‌گیرند. با توجه به اینکه بیشتر نیروی کار روستایی در شغل‌های ساده مشغول به فعالیت هستند، بنابراین این بخش نیز می‌تواند مقداری از شکاف دستمزد را توضیح دهد. ضریب متغیر دامی برای زنان در تمام چندک‌ها منفی است، این ضرایب در چندک‌های پایین هم در بخش روستایی و هم

در بخش شهری نسبت به چندک‌های بالای درآمدی بزرگ‌تر است که وجود نوعی تبعیض جنسیت در بازار کار ایران تأیید می‌شود. چراکه زنان در دهک‌های بالای درآمدی در شغل‌های مدیریتی و دولتی سطح بالا قرار می‌گیرند و طبیعتاً دستمزد متناسب با مردان هم‌سطح خود می‌گیرند. متغیر دامی اشتغال در بخش کشاورزی نسبت به بخش خدمات از دستمزد کمتری برخوردار هستند و از آنجا که بیشتر نیروی کار بخش روستا در بخش کشاورزی اشتغال دارند لذا کاهش درآمد بخش کشاورزی نسبت به بخش خدمات و سایر بخش‌ها یکی از عوامل اصلی نابرابری درآمد است. متغیر واردات اثر منفی روی دستمزد در بخش روستایی دارد. ولی در شهری واردات اثر مثبت بر روی دستمزد دارد. این به این دلیل است، اکثر واردات در بخش روستایی از نوع کالای مصرفی نهایی است و رقیبی نزدیک برای کالای تولیدی داخل است؛ بنابراین واردات اثر منفی بر روی دستمزد دارد. ولی در بخش شهری اکثر واردات از نوع کالاهای سرمایه‌ای است، مقدار شکاف به نوع کالاهای وارداتی بستگی دارد. تعرفه اثر منفی بر درآمد ماهیانه بخش شهری و روستایی دارد، لذا کاهش تعرفه در بخش شهری و روستایی باعث افزایش درآمد ماهیانه بخش شهری و روستایی می‌شود؛ بنابراین سیاست آزادسازی تجاری منجر به افزایش شهرنشینی و از بین رفتن فعالیت‌های کشاورزی و دامداری می‌شود.

نتیجه‌گیری:

یکی از عواملی که باعث افزایش کارایی و از بین رفتن هزینه‌های اضافی (تبعیض) می‌شود، افزایش رقابت است. یکی از مسائل اصلی اقتصاد ایران نابرابری درآمد بین نیروی کار شهری و روستایی است که منجر به تخصیص نامطلوب منابع می‌شود، شواهد داده‌های بودجه خانوار نشان می‌دهد که شکاف دستمزد بین نیروی کار شهری و روستایی وجود دارد. جهت کاهش نابرابری درآمد سیاست‌های مختلفی وجود دارد و یکی از این سیاست‌ها آزادسازی تجاری است. نرخ تعرفه ساده از مقدار حدود ۶۵ درصد از سال ۱۳۸۰ به ۲۰ درصد در سال ۱۳۸۱ رسیده است؛ بنابراین این مطالعه با استفاده از داده‌های مرکز آمار و اداره گمرک به بررسی اثر آزادسازی تجاری بر نابرابری دستمزد پرداخته است. شکاف دستمزد ناشی از دو عامل تفاوت سرمایه انسانی و تبعیض می‌باشد، لذا از تجزیه دستمزد (Oaxaca Blinder, 1975) برای تفکیک دو عامل مورد نظر

استفاده می‌شود. نتایج تجزیه نشان می‌دهد که سهم ناچیزی از شکاف دستمزد به تبعیض مربوط می‌شود و این بر کارا بودن تفاوت دستمزدها دلالت دارد. برای بررسی اثر متغیرهای آزادسازی تجاری بر دستمزد هر یک از گروه‌های روستائین و شهرنشین از معادله تعیین دستمزد مینسر استفاده شده است. نتایج معادله مینسر نشان می‌دهد که متغیر دامی زنان باعث کاهش دستمزد می‌شود، اما متغیر دامی تمام شغل‌ها نسبت به شغل‌های ساده و استخدام در بخش عمومی باعث افزایش دستمزد می‌شود. لذا هر چه بخش شهری در بخش عمومی اشتغال داشته باشند، شکاف دستمزد افزایش می‌یابد. اثر واردات بر روی دستمزد روستایی منفی است، ضریب منفی به دلیل واردات کالاهای مصرفی و جانشین بودن نوع کالای وارداتی با کالای تولیدی روستائیان می‌باشد؛ اما اثر این متغیر برای بخش شهری مثبت است و این به دلیل ورود کالای سرمایه‌ای است که باعث افزایش دستمزد می‌شود؛ بنابراین به‌طور کلی، آزادسازی تجاری باعث افزایش شکاف دستمزد نیروی کار شهری و روستایی و افزایش مهاجرت از روستا به شهر می‌شود. با توجه به اینکه افزایش شکاف ناشی از آزادسازی تجاری به علت ماهیت کالاهای تولیدی توسط نیروی کار شهری و روستایی می‌باشد، لذا هر نوع سیاستی مربوط به آزادسازی تجاری باید ملاحظات مربوط به مهاجرت را در نظر داشته باشد. چراکه مهاجرت نیروی کار روستایی، منجر به گسترش شهرنشینی، از بین رفتن بخش کشاورزی و حتی متروکه شدن روستاها می‌شود. این تبعات برای کشور در حال توسعه‌ای مانند ایران که اهداف رشد بلندمدت را در نظر دارد، دارای تبعات سنگین خواهد بود.

References

- AlAzzawi, S. (2013). Did Trade Liberalization Benefit Female Workers? Evidence on Wage and Employment Effects from Egypt. Economic Research forum.
- Atanasio, O., Goldberg, P., & Pavcik, N. (2004). Trade reforms and wage inequality in Colombia. *Journal of Development Economics*.
- Aydiner-Avsar, N. (2010). International Trade and Gender Wage Gap: A Distributional Analysis for TURKEY.
- Balioune, M., & Lutz, S. (2004). Rural-urban inequality in Africa: A panel study of the effects of trade liberalization and financial deepening, ZEI Working Papers.
- Casabianca, E.J. The impact of trade liberalization on the gender wage gap: the case of Peru 2004- 2010.

El-Hamidi, F. (2007). Trade Liberalization, Gender Segmentation, and Wage Discrimination: Evidence from Egypt. 14th Annual Conference of the Economic Research Forum (ERF).

Aguayo-Tellez, E., Airola, J., & Juhn, C. (2010). Did Trade Liberalization help Women? THE Case of Mexico In THE 1990S. NBER WORKING PAPER SERIES.

Feenstra, R., & Hanson, G.H. (1997). Productivity measurement and the impact of trade and technology on wage: Estimates for the U.S., 1972-1990. National Bureau of Economic Research.

Gaston, N., & Trefler, D. (1992). Protection, trade, and wages: Evidence from U.S. manufacturing. *Industrial and Labor Relations Review* 47, : 574-593.

Berik, G., Rodgers, Y.M., & E. Zveglic, J. (2004). International Trade and Gender Wage Discrimination: Evidence from East Asia. *Review of Development Economics*: 237-254.

Heinze, A. (2010). Beyond the Mean Gender Wage Gap: Decomposition of Differences in Wage Distributions Using Quantile Regression. centre for european economics research.

J. Borjas, G. (2004). *labor economics*.

Jann, B. (2008). A Stata implementation of the Blinder-Oaxaca decomposition. ETH Zurich, Chair of Sociology.

Lovász, A. (2008). Competition and the Gender Wage Gap: New Evidence from Linked Employer-Employee Data in Hungary, 1986-2003.

Nicole, F., Thomas, L., & Sergio, F. (2010). *Decomposition Methods in Economics*.

Menon, N., & Rodgers, Y.M. (2008). International Trade and the Gender Wage Gap: New Evidence from India's Manufacturing Sector.

Oostendorp, R. (2004). Globalization and the Gender Wage Gap. World Bank Policy Research Working Paper 3256.

Artecona, R., & Cunningham, W. (2002). Effects of Trade Liberalization on the Gender Wage Gap in Mexico. Policy Research Report on Gender and Development.

Ronald G.E., & Robert S. (2000). *Modern labor economics*.

E. Black, S., & Brainerd, E. (2002). Importing equality? the impact of globalization on Gender discrimination. National Bureau Of Economic Research.

Shahbaz, M., Aamir, N., & Sabihuddin B.M. (2007). Rural-Urban Income Inequality under Financial Development and Trade Openness in Pakistan: The Econometric Evidence. *The Pakistan Development Review*.

Paul, S., & Bikas P.S. (2012). Trade Reforms and Gender Wage gap in India.

Aktas, A., & Uysal, G., (2012). Explaining the Gender Wage Gap in Turkey Using the Wage Structure Survey. *Betam Working Paper Series*.

Zaki, C. (2010). On Trade Policies and Wage Disparity in Egypt: Evidence From Microeconomic Data. *Economic Research Forum for the Arab Countries, Iran and Turkey (ERF)*.

Chen, Z., Ge, Y., Lai, H & Wan, C. (2012). Globalization and Gender Wage Inequality in China. *World Development*, Vol 44, pages 256-266.

